

تحلیل اصول فقهی حاکم بر بهینه‌سازی روابط اعضای خانواده

طه سمیعی^۱

صدیقه نقره‌کوب^۲

چکیده

با تدبیر در پیشرفت تمدن بشر خواهیم دید که همه‌ی آن‌ها از نظام خانواده‌هایی به‌هم‌پیوسته و سرشار از عاطفه سرچشمه می‌گیرد؛ پس اگر در جامعه بنای خانواده بر پایه اصول استوار باشد، روح برادری، همکاری و محبت بر آن جامعه حاکم می‌شود و آن جامعه با انسجام و اتحاد در زندگی اهلیت پذیرش امانت الهی را خواهد داشت. امروزه عدم مدیریت فضای مجازی و تکنولوژی مدرن و عدم آگاهی زوجین نسبت به مسائل خانواده، می‌تواند موجب تضعیف بنیان خانواده و افزایش آمار طلاق در جامعه گردد که به تبع آن آسیب‌های جبران‌ناپذیری را برای زوجین و فرزندان به همراه دارد. در تحکیم جامعه انسانی اسلامی، استحکام خانواده تأثیر مثبتی دارد که در قرآن نیز به‌صورت ویژه به اصل تحکیم و ثبات خانواده عنایت شده است. خداوند متعال کلیه اصول حاکم بر روابط خانواده را بر این اصل مبتنی نموده است و برای حفظ حریم خانواده و تحکیم آن اصولی را بیان نموده که از میان احکام حقوقی قابل استخراج هستند و در مواردی نیز به آن‌ها تصریح شده است. در نوشتار حاضر، با بهره‌بردن از رهنمودهای حکیمانه قرآن و روایات، راه‌ها و اصول تحکیم روابط اعضای خانواده و عوامل مؤثر بر آن مورد تحلیل قرار گرفته، بیان می‌شود که دستیابی به رشد و تعالی خانواده از سویی در گرو انجام وظایف هر یک از اعضا و از سوی دیگر مبتنی بر توجه به فضایل و کرامات اخلاقی و معنوی در خانواده است؛ از این‌رو خانواده‌ای که بر پایه‌ی اخلاق، حقوق و فضایل اسلامی استوار می‌شود، به کانون اصلی رشد و تعالی انسانی مبدل می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: اصل، روابط، اخلاق اسلامی، خانواده، استحکام.

۱. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب قم، قم؛ taha.samiai@gmail.com

۲. دکترای تخصصی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی (نویسنده مسئول)، اصفهان؛

sedighenoghrekoob@yahoo.com

مقدمه

خانواده به عنوان حیاتی‌ترین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی و محیطی امن برای رسیدن به اهداف عالی انسانی است که با پیوند مقدس ازدواج آغاز می‌شود و با حضور فرزندان روابط اعضای آن گسترده‌تر شده و تأثیرگذاری آن‌ها بر یکدیگر بیشتر خواهد شد. با توجه به انواع نیازمندی‌هایی که افراد به یکدیگر دارند می‌توان گفت اصیل‌ترین نیازهای انسان تنها در محیط خانواده تأمین می‌شود؛ زیرا در این محیط است که نیاز تکوینی فرزند به پدر و مادر و نیاز مستقیم زن و شوهر به یکدیگر و نیازهای عاطفی و جنسی آن‌ها به وسیله یکدیگر تأمین می‌گردد.

خانواده کانون آرامش، آسایش و امنیت در زندگی است و برای دستیابی به آن علاوه بر معیارهای اولیه و ملاک‌هایی که در انتخاب همسر شایسته بیان شده به دستورات، راهکارها و رهنمودهایی نیاز است که این رهنمودها تحت عنوان اصول حاکم بر روابط خانواده سبب شناخت عوامل ثبات و سازوکارهای ایجاد ارتباط صمیمانه و سازنده به منظور ایجاد محیطی سالم و با نشاط برای پرورش فرزندان در خانواده اهمیت به‌سزایی دارد و در تمام جوامع بشری و ادیان مورد عنایت بوده، اسلام نیز برای خانواده قداست خاص قائل است.

اهمیت قرآن و همچنین دیدگاه اسلام به عنوان معلم همیشگی بشر و همچنین نهاد خانواده به عنوان هسته زندگی اجتماعی، ضرورت و اهمیت این موضوع را آشکار می‌کند که مسلمانان باید سبک زندگی خود را از قرآن اقتباس کنند و در دنیایی که در آن رسانه‌های ارتباط اجتماعی و ماهواره در صدد تغییر سبک زندگی بشر هستند، برگشت به سبک زندگی به روش قرآن و عنایت خاص به مفاهیم آن و الگو قرار دادن مفاهیم قرآنی به یک ضرورت تبدیل شده است.

بنابراین هر امر نظام‌مندی دارای اصولی است که جهت‌گیری کلی آن نظام را تبیین می‌نماید، طبیعی است که در گام اول برای دستیابی به اصول نظام خانواده در اسلام باید با مراجعه به منابع فقه این اصول را استخراج کرد و در گام بعدی، از این اصول استخراج شده در استنباط احکام فقهی بهره گرفت. واضع مکتب و نظام اسلام با رعایت اصولی به وضع قوانین و احکام پرداخته است. برای مثال شریعت اسلام برای تقویت روابط زن و شوهر و پیشگیری از ناسازگاری، توصیه‌های متعددی در شرایط مختلف نموده است و حتی الگوهای رفتاری در هنگام جدایی و

طلاق را بیان کرده است.

همچنین در اصل دهم قانون اساسی مقرر شده که «خانواده به عنوان واحد بنیادی جامعه اسلامی، همه مقررات و قوانین و برنامه‌ریزی‌های مربوط به آن باید در جهت پاسداری از قداست خانواده، آسان کردن تشکیل خانواده و استواری روابط خانواده بر پایه اخلاق و حقوق اسلامی باشد»؛ از این رو اعضای خبرگان تلاش نموده‌اند تمامی مراحل تشکیل خانواده نظیر مقدمات ازدواج و پس از ازدواج و حتی ولادت فرزندان را مورد حمایت قرار دهند تا در بهترین شرایط، شکل بنیادهای اولیه جامعه اسلامی ایجاد گردد. چون در نظام اجتماعی، نظام خانواده اهمیت خاصی دارد و نقش اجتماعی آن روی همه قوانین، تصمیمات، مقررات اقتصادی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد، لازم است که این اصل (دهم قانون اساسی) در اصولی کلی ذکر شود.

بنابراین آشنایی با این اصول باعث تحکیم روابط خانواده می‌شود که اهمیت بسیار زیادی داشته و تحقیق در این زمینه امری ضروری به نظر می‌رسد با توجه به نقش مؤثر خانواده در رشد و تعالی جامعه، کتاب‌ها و مقالات زیادی تدوین شده که به صورت تحلیلی به بیان این مورد پرداخته نشده است. در این پژوهش سعی خواهد شد ضمن بیان کردن اصول مهم، به بررسی آن در روابط خانواده از نظر فقهی اشاره گردد و انگیزه انجام این پژوهش پاسخ به این سؤال است که شریعت اسلام برای تقویت روابط زن و شوهر و پیشگیری از ناسازگاری، چه توصیه‌هایی دارد؟ همچنین اصول حاکم بر روابط اعضای خانواده چیست؟ اصولی که قرآن برای تحکیم و حفظ حریم خانواده بیان نموده است، کدام‌اند؟ در تحکیم بنیان خانواده و سرزندگی آن اصولی مؤثرند که در این مقاله به مهم‌ترین آن‌ها پرداخته خواهد شد. قبل از ورود به بحث لازم است به تبیین مفهومی عنوان بحث پرداخته شود.

تحکیم و حفظ روابط اعضای خانواده

اسلام بر آنچه به تحکیم خانواده بیانجامد، توجه ویژه‌ای دارد و بر آنچه موجب تزلزل پایه‌های خانواده شود، مبارزه می‌کند. اهمیت و ضرورت پرداختن به موضوع «تحکیم خانواده» ریشه در اهمیت نهاد خانواده است. خانواده به عنوان بنیادی‌ترین نهاد در جامعه اسلامی، وظیفه تربیت و سازندگی افراد و انسان‌ها را بر عهده دارد و اگر زن و شوهر نتوانند خانواده را تحکیم بخشند و

افرادی با ایمان در آن پرورش دهند، قادر نخواهند بود جامعه‌ای ایده آل برای نسل آینده بسازند و به اهداف متعالی خود نخواهند رسید. منظور و مقصود از تحکیم خانواده، فراگیری اصل اعتدال میان همگان، حفظ حقوق و حاکمیت اخلاق همه اعضا است. پس چون هدف از برقراری زوجیت و تشکیل خانواده، به تعبیر قرآن «سکونت و آرامش اعضا» است، بدین منظور باید همه رفتارها و تعامل‌ها در راستای تحقق این هدف شکل گیرد (بهرامی و نمازی، ۱۳۹۵: ۲).

خداوند سبحان در سوره مبارکه نساء از پیوند ازدواج که موجب تشکیل خانواده می‌شود به «میثاق غلیظ» یا پیمان محکم یاد نموده است «وَ كَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» (نساء: ۲۱)؛ همچنین در آیه ۷۲ سوره مبارکه نحل، خانواده «نعمت الهی» نامیده شده است «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَئِدَهُ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَقْبَالَطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ» (نحل: ۷۲) و نیز رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) خانواده را عزیزترین و محبوب‌ترین بنا نزد خداوند توصیف کرده و فرموده است: «مَائِنِي فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءٌ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَأَعَزُّ مِنَ التَّزْوِيجِ» (نوری طبرسی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۴۳).

از مجموع آیات قرآن می‌توان چنان نتیجه گرفت که خداوند در قرآن حتی در زمانی که احکام حقوقی طلاق را بیان می‌کند، سعی بر تحکیم خانواده داشته و تا آنجا که امکان دارد شرایطی را برای طلاق در نظر گرفته است که به راحتی زن و شوهر نتوانند از هم جدا شوند. در صورتی که چاره‌ای به غیر از جدایی آن‌ها نباشد، با اینکه طلاق را به عنوان مغبوض‌ترین راه معرفی کرده است؛ ولی برای حفظ حریم خانواده دستوراتی می‌دهد که با اجرای بعضی از قوانین بتوان اصولی را بر اعضای خانواده تحمیل کرد و ظاهراً اعضای خانواده را به هم وابسته نگاه داشت.

۱. اصل دینداری

یکی از عوامل مهم در تحکیم روابط زن و مرد، اعتقادات و پایبندی زن و شوهر به مسائل دینی، شرعی و احکام مقدس اسلام است. زن و شوهری که در محیط خانواده به ارزش‌های دینی و اخلاقی پایبندی دارند، به نماز اول وقت اهمیت می‌دهند، اهل مناجات با خدا و اهل بیت (علیهم السلام) هستند و مرتب قرآن را قرائت می‌کنند، حضرت حق نسبت به آن‌ها توجه خاصی دارد؛ اما

خانواده‌هایی که زن و مرد پابندی به ارزش‌های اخلاقی و اصول دینی ندارند و مرتب با پخش نوار موسیقی و فیلم‌های مبتذل احساس سرخوشی کاذب می‌نمایند روی خوشی و صحت واقعی را نمی‌بینند؛ لذا ایمان به خدا و دین‌داری زن و مرد یکی از عوامل تحکیم خانواده است. حدیث نبوی «نُورُوا بُيُوتَكُمْ بِتَلَاوَةِ الْقُرْآنِ...» نشانگر نورانی شدن خانه با تلاوت قرآن است (رفیعی محمدی، ۱۳۸۹: ۵).

یکی از مسائل حفظ دین‌داری، ارضای مشروع غریزه جنسی است. دین اسلام با سرکوب نیاز جنسی مخالف است و از سوی دیگر، از رها بودن شخص از نظر جنسی و با بی‌بندوباری نیز مخالف بوده، از این رو ازدواج را یگانه راه ارضای غریزه جنسی و حفظ دین‌داری می‌داند. در آیه ۳۲ سوره نور می‌فرماید: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْطِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» و البته توصیه می‌شود به کسانی که امکانات لازم را برای ازدواج ندارند که عفت پیشه کنند تا زمانی که پروردگار گشایشی ایجاد نماید. لذا قرآن، خانواده‌ای را طبق مکتب اسلام طراحی می‌کند که افراد آن، مدارج بندگی را طی کنند و به حیات طیبه راه یابند. در خانواده افراد علاوه بر تأمین حقوق دنیوی مانند آرامش، امنیت، تغذیه و... در جستجوی حقوق معنوی نیز خواهند بود، «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ فَلَنَحْنِيْنَهُ حَيَوَه طَيِّبَهٗ وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل: ۹۷) از زن و مرد هرکس عمل صالحی انجام دهد، ما او را به شرط ایمان به خدا در زندگانی با سعادت و خوش زنده می‌گردانیم. در این آیه شرط رسیدن به دخول در بهشت و حیات طیبه، ایمان و عمل صالح ذکر شده است که البته این دو در محیط خانواده کسب می‌شود. در آیه ۲۱ سوره مبارکه طور آمده است: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ، كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِيْنٌ» کسانی که ایمان آوردند و اهل و ذریه ایشان از آنان پیروی کردند، ذریه ایشان را در بهشت به آنها ملحق کرده و از خودشان چیزی کم نمی‌کنیم که هرکسی در گرو عمل و کسب خویش است» (طور: ۲۱). ذیل آیه فوق از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در تفسیر قرطبی نقل شده که «پروردگار در بهشت ذریه مؤمن را در درجه او قرار می‌دهد؛ هرچند از حیث پاداش و عمل از او نازل تر باشند. چون به وجود ایشان چشم روشن شود» (سلطان محمدی، ۱۳۹۲: ۱۱۱۲).

دین داری موجب استحکام و ثبات روابط زن و شوهر می شود. انسجام خانوادگی، رضایت، روحیه خوش بینی و عزت نفس در محیط خانه را افزایش می دهد و از بروز بی بند و باری ها، مصرف مواد مخدر و نارضایتی جلوگیری می کند. در خانواده بسیاری از مشکلات به دلیل تعارض بین آزادی شخصی و امنیت عاطفی و سطحی نگری آن هاست که در موارد زیادی به دلیل از دست دادن و فاصله گرفتن از ارزش ها، معنا و مفهوم زندگی، چارچوب و نظام اعتقادی و دینی خود است؛ بنابراین نظام اعتقادی و ارزش های فرد موجب مهر و عطوفت و یکپارچگی بیشتر در محیط خانوادگی و روابط زن و شوهر می شود؛ از این رو زندگی ایده آل در عبودیت پروردگار است. رعایت حلال و حرام، انجام واجبات و ترک محرّمات و توکل به خدا و توسل به انبیاء الهی و پیروی از الگوهای دینی باعث تحکیم بنیان خانواده می شود.

۲. اصل تقدم اخلاق بر حقوق

خُلُق شکل درونی انسان است، چنان که خَلَق شکل ظاهری اشیاء است. ملکات، غرایز و صفات روحی و باطنی که در آنان است اخلاق نامیده می شود و به آن اعمالی که از این خَلقیات ناشی گردد، نیز اخلاق می گویند (مهدوی کنی، ۱۳۷۱: ۱۳). قرآن با بیان دستورات و قوانینی در مورد نکاح، مهریه، نفقه، ارث، حضانت، استقلال مالی و مدیریت خانواده حدود وظایف و حقوق زن و مرد را بیان کرده است؛ ولی از آنجا که طبیعت و نوع رابطه اعضای خانواده به گونه ای است که به تنهایی «حقوق» قادر نیست این روابط را تعدیل کند؛ به همین علت اسلام برای اداره خانواده به «اخلاق» توصیه و سفارش ویژه ای داشته، همچنین برای شرایط غیرعادی زندگی، در برخی موارد؛ زمانی که ایثار، عشق و فداکاری جای خود را به ناسازگاری می دهد، قوانینی را وضع کرده است. خوش اخلاقی و خوش رفتاری زوجین یکی از عوامل تحکیم خانواده است که خداوند متعال در سوره نساء با عبارت «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ... و با آنان به شایستگی رفتار کنید» به آن اشاره کرده است (نساء: ۱۹).

اگر زندگی بر اساس حق من و تکلیف تو شکل بگیرد، دوامی نخواهد داشت؛ زیرا طبیعت خانواده با این روش سازگار نبوده و اگر اخلاق نباشد به مرد و زن این اجازه را می دهد که کارهایی که در فقه واجب نشده، یا انجام ندهند و یا در مقابل، طلب اجر و مزد کنند؛ مثل انجام

کارهای خانه، نگهداری و شیر دادن کودک برای زن. رابطه اخلاق و خانواده، نوعی رابطه کاملاً مستقیم و الزامی است. محکم بودن و استواری خانواده‌ها، حاصل پابندی‌های اخلاقی اعضای خانواده و پرهیز از کج خلقی است (بهرامی و نمازی، ۱۳۹۵: ۴).

۳. اصل تعاون و همکاری

تعاون (Cooperation) از ریشه عون و به معنی یاری کردن «یاری رساندن» و اعوان به معنی «یاران»، «دوستان»، «کمک و امداد» آمده است؛ اما مفهوم تعاون در زمینه بحث ما، همکاری متقابل معاونت و مشارکت دو جانبه است. برخی از نویسندگان مترادف تعاون را همکاری می‌دانند؛ اما مفهومی که در تعاون هست، در همکاری وجود ندارد، چون شرط لازم در همکاری، وجود احتیاج مشترک هست در صورتی که در تعاون این چنین نیست؛ یعنی علاوه بر نیاز مشترک، تمایل افراد به معاضدت با یکدیگر نیز شرط است؛ بنابراین تعاون چیزی فراتر و بالاتر از همکاری است.

همکاری در خانواده را می‌توان به دو نوع فیزیکی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خانواده تقسیم کرد، هر کدام از این همکاری‌ها چه نوع فیزیکی یا تصمیم‌گیری نقش بسیار مؤثری در جامعه‌پذیری و بلوغ فکری فرزندان داشته و امروزه بیشتر مشکلات زوج‌های جوان این است که در زمان کودکی خود در خانواده، در کارها مشارکت داده نشده‌اند.

بنابراین شایسته است که والدین در کنار تلاش همیشگی خود که برای تربیت صحیح فرزندان خویش دارند، به ایجاد روحیه تعاون و همکاری نیز در آنان همت گمارند و بهتر این است که بدانیم مهم‌ترین و بهترین شیوه برای ایجاد این روحیه در فرزندان، پرورش مسئولیت‌پذیری در آنها است. از این رو اگر از دوران کودکی نقش و ارزش وجودی فرزندان را در کانون خانواده برای آنها روشن کنیم، مسئولیت‌هایی در حد توان و علاقه آنها با ایجاد عزت‌نفس بر ایشان می‌توانیم تعریف کنیم.

از عوامل به وجود آورنده این احساس مسئولیت، ارج نهادن به نظرات شخصی آنها، حتی اگر ساده باشد و سهم ساختن آنها در تصمیم‌گیری‌ها و همچنین تقسیم وظایف بر اساس علایق و توانایی اعضای خانواده را می‌توان نام برد. به همین علت، اگر اجازه دهیم کار گروهی در خانواده‌ها رونق بگیرد، تأثیر زیادی در آینده فرزندان خواهد داشت. چون کسانی که الفبای

همکاری را از کودکی آموخته‌اند، در زندگی بزرگسالی افرادی وظیفه‌شناس، مسئولیت‌پذیر و واقع‌گرا خواهند بود. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ... در نیکوکاری و پرهیزکاری همکاری کنید، در گناه و تجاوز همکاری نکنید» (مائده: ۲). بر طبق این آیه، معیار تعاون، درستی یا نادرستی اعمال می‌باشد. کلمه «البر» حکایت از انجام دادن کارهای خیر و جنبه اثباتی دارد و تقوا به معنای انجام ندادن کارهای بد و دارای جنبه سلبی است. این اصل بیان‌کننده آن است که حتی در خانواده، افراد باید در انجام کار نیک و پرهیز از گناه به همدیگر کمک کنند (آیت‌اللہی، ۱۳۳۹: ۱۵).

همکاری در خوبی‌ها و تعاون از اصول مهم حاکم بر خانواده است. گسترش روحیه همکاری و تعاون میان اعضای خانواده یکی از برنامه‌های کلیدی مدیریتی است که اجرای آن به خصوص در زندگی مدرن امروزی که وظایف و مسئولیت‌ها هر کدام از اعضای خانواده نسبت به گذشته به مراتب بیشتر شده است و معمولاً زنان نیز دوشادوش و همگام با مردان فعالیت می‌کنند، ضروری به نظر می‌رسد. چون قرار گرفتن در یک رابطه زوجی و خانوادگی، مستلزم حمایت کردن و حمایت شدن است. این همکاری افزون بر این که خانواده را سریع‌تر به رشد می‌رساند و نیز به اهدافشان نزدیک‌تر می‌سازد، باعث دلگرمی هر کدام به ادامه زندگی خواهد شد. در این صورت هر یک از اعضای خانواده با رغبت بیشتری فعالیت‌ها را انجام داده و نیز سنگینی بار کارهای خانه که خود یک شغل تمام‌وقت به شمار می‌آید، بر عهده‌ی یک نفر نخواهد بود.

۴. اصل ثبات و امنیت

ثبات به معنای پایدار بودن، برجای ماندن و دوام یافتن است (معین، ۱۳۸۸، واژه ثبات) امنیت به معنای در امان و آسایش بودن، مصونیت از خطر و ترس و آرامش خاطر است. امنیت حالت فراغت نسبی یا حمله یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند؛ از این رو امنیت از ضروری‌ترین نیازهای یک جامعه است (آشوری، ۱۳۸۷: ۳۸).

قرآن برای امنیت و ثبات خانواده، هم بر عوامل درون‌زا و هم بر عوامل برون‌زا تأکید دارد. زن و مرد چون به دلیل ویژگی‌های خود مکمل هم هستند، در یک نظام هماهنگ می‌توانند تعادل روحی و روانی را برای کلیه اعضای خانواده فراهم کنند؛ بدین منظور ارتقای هریک از اعضای

خانواده به ارتقای اعضای دیگر بستگی دارد و کمال هریک از آن‌ها در کمال سایر افراد خانواده است. از آنجایی که هدف از خلقت انسان، رسیدن به کمال و تقرب الی الله است، پس باید در ایجاد این امنیت بسیار تلاش کرد. از دیدگاه قرآن، خانواده «فراموش خانه رنج‌های روزانه» است. در آیه ۲۱ سوره روم، خانواده به اعتبار وجود همسر، مایه آرامش و سکون معرفی شده است «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم: ۲۱).

در آیه فوق تعبیر «لتسكنوا» علت خلقت همسر برای انسان است؛ بنابراین انسان در کنار همسر آرامش می‌یابد. البته در عرف نیز از منزل به «مسکن» تعبیر می‌شود که این کلمه به معنای امنیت و آرامش و سکون است که بدیهی است که این خصوصیت نه از «خانه» بلکه از «خانواده» خواهد بود. ثبات و امنیت در خانواده به عنوان عامل اصلی تحکیم خانواده است و سلامت روحی، آرامش روانی و عدم اضطراب در بین اعضای خانواده به خصوص کودکان نتیجه این امنیت است که با نقش‌آفرینی زوجین و داشتن احساس همبستگی، همدلی و تفاهم بین آن‌ها به وجود می‌آید، در چنین شرایطی است که کودک آن‌ها دارای شخصیت متعادل و سالم خواهد بود که مسلماً نقش خانواده بسیار چشمگیر است.

۵. اصل همدلی، عشق و محبت

همدلی به معنای درک احساس، نگرش، تفکر و رفتار فرد مقابل است. همدلی به معنای اتفاق اتحاد و صمیمیت است (معین، ۱۳۸۸، واژه همدلی). همدلی نه به معنای تأیید نظر فرد مقابل؛ بلکه به معنای درک همدلانه اوست. عدم همدلی در اعضای خانواده باعث تنش و اضطراب می‌شود چون افراد به این نتیجه می‌رسند که برای یکدیگر اهمیتی ندارند؛ بنابراین همدلی موجب درک متقابل و آرامش می‌شود. هم‌چنین بیان محبت و عشق ورزیدن باعث رضایت و ثبات خانواده می‌شود و آرامش و امنیت روانی را برای زن و شوهر به وجود می‌آورد و نیز موجب دلگرمی اعضای خانواده خواهد شد.

شایسته است مسلمانان در یاری بر مهر ورزیدن به همدیگر کوشا باشند که خدای عزوجل فرموده است: «رحماء بینهم» مهر و محبت اعضای خانواده به هم سبب جلب رضایت و رحمت خدا می‌شود که بدیهی است چنین خانواده‌هایی پایدار و سعادت‌مند هستند. انسان تشنه محبت و

دوستی است. علت و انگیزه بسیاری از تلاش ها و زحمات طاقت فرسای زندگی، محبت است و وجود محبت در خانواده، انسان را به فعالیت و کسب معاش وا می‌دارد. هم‌چنین حفظ حرمت و شخصیت دیگران، در گروهی احترامی است که در برخوردها از انسان ظاهر می‌گردد. رعایت این مسئله، به خصوص از سوی کسانی که با هم آنس و الفتی دارند، موجب استحکام دوستی و گرمی روابط در بارزترین مصداق آن یعنی خانواده خواهد شد. امام صادق (علیه السلام) به مردم بر کوشش در مهرورزی نسبت به برادران دینی خود تأکید نموده‌اند و چه نیکوست که این امر از خانواده شروع شود. امام سجاد (علیه السلام) نیز در مورد ضرورت مهرورزی به همسران می‌فرماید: «حق همسرت آن است که بدانی خداوند او را مایه سکون و هم‌نشینی تو قرار داده است و باید بدانی که او نعمت خداوند بر توست. پس او را گرامی بدار و با او با رفق و مدارا برخورد نما و هر چند حق تو بر او بیشتر است؛ اما حق او بر تو این است که با او مهربانی کنی» (کلینی، ۱۳۹۰: ۳۹۹).

۶. اصل قناعت

قناعت در اصطلاح به معنای خوشنود بودن و بسنده کردن به قسمت خویش است (معین، ۱۳۸۸، واژه قناعت). یکی از ابعاد آن قناعت مالی و اقتصادی است که موجب رضایت و شکرگزاری انسان نسبت به داشته‌های خود است. بی‌تردید یکی از ناپسندیده‌ترین اعمال از دیدگاه اسلام و قرآن «اسراف» است که در روایات و آیات از آن نکوهش فروانی شده‌است و خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ». فرعون در زمین برتری‌جویی داشت و از اسراف‌کنندگان بود» (یونس: ۸۳) و نیز در آیه ۴۳ سوره مبارکه غافر می‌فرماید: «وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ» و مسرفان اهل آتش هستند (غافر: ۴۳). روح اسراف، معمولاً با خودپسندی و خودخواهی و بیگانگی از فطرت الهی است. در خانواده، قناعت موجب سکون روحی و عدم حالات مخرب روحی مانند حرص و ولع، دنیاطلبی و حتی فشارخون، استرس و بیماری‌های دیگر روحی روانی می‌شود (بهرامی و نمازی، ۱۳۹۵: ۷).

۷. اصل اطاعت

اطاعت یعنی تسلیم کردن اراده و دستور یا خواهش کسی را اطاعت کردن (عمید، ۱۳۷۵، واژه

اطاعت) و مطیع به کسی گفته می شود که اراده‌ی خود را تسلیم شخص یا چیزی می کند. قرآن و روایات اطاعت کسانی را واجب می داند که اوامر آنها در راستای دستورات الهی و اطاعت از خدا و رسول او باشد؛ از این رو در بین اعضای خانواده محبت کردن، نتیجه‌ی طبیعی اطاعت شمرده می شود. مطابق آیه ۳۴ سوره نساء تأمین هزینه زندگی بر عهده مرد نهاده شده است و زن نیز در قبال آن مکلف شده تا از مرد به عنوان رئیس تشکل خانواده؛ اطاعت کند. اثبات ریاست شوهر بر خانواده مطابق «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَیَمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (نساء: ۳۴) روشن و قطعی است. در این آیه خداوند متعال حق ریاست بر خانواده و تدبیر و سرپرستی امور خانواده را به دلیل برتری‌های طبیعی جنس مرد به او سپرده است و در مقابل مرد مکلف شده که مخارج و هزینه زندگی را بپردازد. هم‌چنین در مورد لزوم اطاعت از شوهر در مسائل زناشویی و بهره‌مندی جنسی در سوره نساء، آیه ۳۴ آمده است: «وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ» دومین موردی که اطاعت شوهر به زن واجب می شود مسئله خروج زن از منزل است که در قرآن کریم به حکم آن تصریح نشده؛ ولی در روایات پیامبر (صلی الله علیه و آله) و معصومین (علیهم السلام) حکم آن بیان گردیده است. امام صادق (علیه السلام) در روایتی می فرماید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) زنی که بدون اجازه شوهر از منزل خارج شود را نهی فرموده است (عاملی، ۱۴۰۷، ج ۲۰: ۱۶۱).

همچنین لزوم اطاعت فرزندان در خانواده از والدین در چند آیه پس از دعوت به عبادت خداوند بیان شده است. «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (اسراء: ۲۳)، «وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (نساء: ۳۶)، «أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (انعام: ۱۵۱)، «لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (بقره: ۸۳) در این آیات بلافاصله بعد از دعوت به توحید، اطاعت از والدین آمده است؛ زیرا پس از خداوند، بزرگترین حق را بر گردن فرزندان، پدر و مادر دارند و شکر و اطاعت والدین به منزله ادای حق پروردگار است.

اطاعت از پدر و مادر و نیز افرادی که پروردگار اطاعتشان را بر ما واجب کرده است، در طول اطاعت از خدا قرار دارد. به گونه‌ای که اگر پدر بی سواد یک شخص چهل ساله‌ی تحصیل کرده و صاحب منصب، راضی به مسافرت او نباشد و به خاطر مسافرت وی اذیت شود، این مسافرت بر

او حرام می شود. چون این فرد به خاطر اطاعت از خداست که بایستی فرمان پدر را اطاعت کند و همواره خداوند خیر ما را در اطاعت از پدر و مادر قرار داده است؛ ولو اینکه آن‌ها از روی هوای نفس یا از سر لجبازی با ما رفتار کنند؛ آن‌ها طرف معامله ما نیستند؛ بلکه ما با اعتبار اطاعت از خداوند، آن‌ها را اطاعت می کنیم. اطاعت زن و شوهر هم این گونه است که طبق روایات «زن تا حق شوهر را ادا نکند حق خداوند را ادا نکرده است» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۲۱)، لذا می توان اطاعت زن از شوهر را مصداق اطاعت از خداوند دانست. البته اطاعت در حوزه‌ی زندگی مشترک مربوط به جایگاه حقوقی زن و شوهر است. سرانجام می توان گفت که زنان باید توجه داشته باشند و دقت کنند که از مسیر اطاعت خداوند خارج نشوند و مردان هم مراقب باشند که مدیریشان را با تدبیر و ظرافت همراه کنند تا ثمره‌ی زندگی مشترک آنان، رسیدن به سعادت آرامش ابدی باشد.

۸. اصل (مودت و رحمت) یعنی تأمین نیازهای عاطفی

مودت به معنای دوستی، محبت، صداقت و رفاقت و مهربانی است (دهخدا، ۱۳۷۷، واژه مودت). یکی از مهم ترین عامل رشد و دوام خانواده، روابط عاطفی بین اعضای آن است. آیات قرآن و توصیه های معصومین و شیوه‌ی عملی آن‌ها این است که ازدواج زمینه ساز مودت و رحمت بین زن و شوهر است و محیط خانه جایگاه آرامش، صمیمیت، رحمت، عطف و گذشت از خطاهای یکدیگر است؛ از این رو هیچ مجوزی برای اعمال زور، خشونت در خانواده وجود ندارد؛ بلکه سیره و سخنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) حکایت از ترغیب مسلمین به ایجاد فضای صمیمیت و رحمت در خانه و پرهیز از اذیت دیگران دارد (نوری، ۱۳۶۶، ج ۱۳: ۴۶).

در سوره مبارکه روم آمده است: «وَجَعَلْ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةَ وَرَحْمَةً» (روم: ۲۱) خانواده کانون مهر و محبت است و نیاز انسان به دوست داشتن و محبوب واقع شدن را تضمین و تأمین می کند به این علت است که خداوند سبحان میان زوجین مودت و محبت برقرار نموده است و نیازی نیست که زن و شوهر پس از ازدواج برای ایجاد محبت تلاش کنند؛ زیرا خداوند این کار را کرده و باید قدر این نعمت را بدانند و از آن مراقبت کنند و از هرچه که ممکن است باعث تهدید این رابطه عاشقانه و عاطفی شود، اجتناب نمایند. همسران با رفتار محبت آمیز خود باعث سلامت و آرامش روح و روان فرزندان می شوند و فرزندان هم علاوه بر خانه، جامعه را نیز تحت تأثیر قرار می دهند

و این آرامش موجب رشد اعضای خانواده خواهد شد. همچنین برای اینکه مهربانی و رحمت در میان آن‌ها باقی بماند باید همواره به خوبی‌های همدیگر نظر داشته، حتی‌الامکان بدی‌ها را نادیده بگیرند. علاوه بر زوجین این نیاز بین اعضای خانواده نیز باید وجود داشته باشد و محبت والدین به فرزندان باید از سر محبت و عشق باشد که با خود گذشتگی و ایثار همراه است.

۹. اصل ایثار و گذشت

ایثار یا نوع دوستی در لغت به معنی برگزیدن، عطا کردن، سود دیگران را بر منفعت خویش مقدم داشتن و منفعت غیر را بر مصلحت خود مقدم شمردن، است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳: ۳۶۸). گذشت به‌عنوان عامل مؤثر در ایجاد و تقویت دوستی، از ایمان و تقوای اعضای خانواده سرچشمه می‌گیرد. امام سجاد (علیه السلام) می‌فرماید: «لاکرم الا بتقوی» بزرگواری جز به پرهیزگاری نیست (بهرامی و نمازی، ۱۳۹۵: ۵). ایثار بالاترین مرتبه از خودگذشتگی است که در آن شخص از نیاز ضروری خود به نفع دیگری کنار رفته، دیگری را بر خود مقدم می‌دارد که از خصایص مهم در زندگی همسران است و در زندگی حضرت زهرا (سلام الله علیها) و حضرت علی (علیه السلام) کاملاً مشهود است (آل رسول و محمدخانی، ۱۳۹۰: ۱۶۴).

ایثار در زندگی آن‌ها به‌گونه‌ای وجود داشت که نه تنها در مقابل هم، بلکه در مقابل دیگران هم ایثار می‌کردند «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا، إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَنُرِيدَ مِنكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا» (انسان: ۸ و ۹) و به پاس دوستی خدا بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می‌دادند. برای خوشنودی خداست که به شما می‌خورانیم و پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم (طباطبایی، ۱۴۱۲، ج ۲۰: ۱۲۸).

همچنین انسان از خطا و اشتباه معصوم و مصون نیست و در مواردی در روابط زن و شوهر لغزش‌هایی رخ می‌دهد که به محبت و مودت میان آن‌ها آسیب می‌زند؛ از این رو قرآن کریم به سازش، صلح و گذشت در روابط میان آن‌ها تأکید ویژه‌ای دارد و در مواردی که خطایی از طرف زن سر می‌زند، مرد را مورد خطاب قرار داده، به گذشت توصیه می‌کند، در این خصوص، زیباترین بیان آیه ۱۴ سوره مبارکه تغابن است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَ أَوْلَادِكُمْ عَدُوٌّ لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِن تَعَفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (تغابن: ۱۴) یعنی ای کسانی که ایمان

آورده‌اید، بعضی از همسران و فرزندان شما دشمن شما هستند، از آنان بر حذر باشید و اگر بیامرزید و ببخشایید، به راستی که خداوند آمرزنده و مهربان است. واضح است که همه فرزندان و همسران دشمن انسان نیستند، به همین دلیل در قرآن کریم از کلمه «من» استفاده شده که به معنای «تبعیض» بوده، به این معناست که تنها بعضی از آن‌ها چنین هستند. افزون بر این که دشمنی می‌تواند در لباس دوستی و به گمان خدمت باشد و گاهی با سوءنیت. در هر حال مرد باید در قبال عداوت زن و فرزند؛ گذشت داشته باشد که به کار بردن سه فعل امر در این آیه «تغفوا» و «تصفحوا» و «تغفروا» مراتب بخشش گناه را بیان می‌کند. «عفو» یعنی صرف نظر کردن از مجازات و «صفح» مرتبه‌ی بالاتر از آن است؛ یعنی ترک هرگونه ملامت و سرزنش است. پوشاندن گناه و به فراموشی سپردن آن نیز به معنای «غفران» آمده است (طباطبایی، ۱۴۱۲: ۳۲۰ و ۳۲۱).

زنان در آیه دیگر مورد خطاب واقع می‌شوند و به آنان در مواردی که از سوی همسرانشان جفایی می‌بینند به «صلح و سازش با آنان» توصیه می‌شوند. خداوند در آیه ۱۲۸ سوره نساء می‌فرماید: «وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (نساء: ۱۲۸)؛ یعنی اگر زنی از سرکشی و طغیان و یا اعراض شوهرش بیمناک باشد، مانعی ندارد که صلح کنند و صلح بهتر است، هر چند مردم بخل می‌ورزند و اگر نیکی و پرهیزگاری کنید، خداوند به انجام کارهایتان آگاه است؛ پس گذشت به عنوان لازمه معاشرت به معروف است که خداوند در روابط خانوادگی به آن در آیه ۱۹ سوره نساء فرمان داده است: «وَاعْشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُنَّ شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (نساء: ۱۹)؛ یعنی با آنان خوش رفتاری کنید هر چند آنان را خوش ندارید و چه بسا چیزی را که ناخوش می‌دانید، خدا در آن خیر زیادی نهاده است. «عاشروهن» فعل امر است و فعل امر ظاهر در وجوب دارد.

بنابراین معاشرت به معروف به عنوان یک تکلیف شرعی است. گذشت به عنوان عامل مؤثر در روابط حسنه است و خداوند در آیه ۳۴ سوره فصلت می‌فرماید: «بدی و نیکی هرگز یکسان نیست. بدی را با نیکی دفع کن و خواهی دید همان فردی که میان او و تو دشمنی است، گویی دوستی صمیمی و گرم است» (فصلت: ۳۴). پس روشن است که در محیط خانواده نیز گذشت و

بزرگواری بسیار تأثیر دارد که از تقوا و ایمان افراد خانواده سرچشمه می‌گیرد. بهترین و زیباترین روش در تقویت بنیان خانواده توسل به عفو و گذشت و بردباری در مقابل خطاهای اعضای خانواده به‌ویژه زن و شوهر نسبت به همدیگر است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «عفو و گذشت را از عادات روزمره خود قرار دهید؛ زیرا که عفو موجب عزت و سربلندی هر بنده‌ای است پس عفو کنید تا خداوند شما را عزیز و بلندمرتبه گرداند» (بهرامی و نمازی، ۱۳۹۵: ۷). ویژگی ایثار آن است که نیاز دیگری را بر خود مقدم بدانند و به‌گونه‌ای ایثار شود که طرف مقابل احساس شرم نکند و نکته مهم در اجرای این اصل این است که فرزندان خانواده نیز با پدر و مادر همکاری کنند.

۱۰. اصل عدالت (موازنه حق و تکلیف)

معنای مختلفی برای عدل در لغت و اصطلاح وجود دارد «نهادن هر چیزی به‌جای خود»، «یا حد متوسط میان افراط و تفریط در قوای درونی»، «به تساوی تقسیم کردن» (معین، ۱۳۸۸، واژه عدل). اصل عدالت را می‌توان به عنوان امری ذاتی و تکوینی دانست که خارج از قوانین قراردادی بوده و رعایت آن امری ضروری است. در طول زندگی، انسان‌ها در حال ایفای نقش‌های متقابلی هستند تا بتوانند پاسخگوی نیازهای طرفینی باشند. همان‌طور که در هر تعاملی دو طرف آن کارکردهای متفاوتی را به عهده دارند تا به مطلوب خود برسند، در روابط خانوادگی هم این ویژگی‌ها به خوبی مشاهده می‌شود. با یکسان شدن یا جابجایی وظایف با یکدیگر، خسارت بزرگی بر جامعه وارد خواهد شد. موازنه بین حقوق و تکالیف در سایه خدمت متقابل، قابلیت ظهور و بروز پیدا می‌کند و تنها با وجود یک تقابل صحیح و ترکیب موزون از روابط، این توازن حاصل می‌آید. در زندگی جمعی هر کس باید در جایگاه خود قرار گیرد و به تعبیر دیگر زن، زن باشد و مرد، مرد. امروزه بیشترین ضربه و آسیب به کانون خانواده ناشی از عوض شدن جایگاه‌هاست. خداوند قواعد حاکم بر روابط خانوادگی را که گاه متضمن تبیین حق‌ها و گاه بیان‌کننده مسئولیت‌ها و تکالیف هستند، تعیین کرده است. از این رو نظام حقوق خانواده عادلانه و حکیمانه است و در چنین نظامی، تناسب میان حق و مسئولیت برقرار است (حرانی، ۱۳۶۳: ۲۹۲).
باین حال، خداوند به طور صریح به عادلانه بودن قواعد اشاره فرموده است: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي

عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ»؛ (بقره: ۲۲۸) برای آنان حقوقی شایسته است؛ همانند وظیفه‌ای که بر عهده آن‌هاست؛ این آیه به صراحت به برقراری تناسب حق‌ها (لهن و مسئولیت‌ها و تکالیف علیهن) اشاره می‌کند؛ بنابراین آنچه در خانواده به عنوان یک نهاد فطری باید شکل بگیرد عشق و مودت، مهربانی و حسن نیت است و هیچ نیرویی جز اخلاق و ایمان نمی‌تواند بر این عواطف حکومت کرده و آرامش را بر آن حکم‌فرما نماید. بی‌شک تقویت اخلاق نه تنها به استحکام خانواده می‌انجامد؛ بلکه سبب سعادت و سلامت جامعه نیز می‌گردد.

برای خود فرد، توازن حق و تکلیف نیز صادق است؛ یعنی هر جا برای شخص حقی ثابت شده، در مقابل تکالیفی نیز برای او قرار داده شده است؛ بنابراین آنچه از وظایف مرد شمرده می‌شود به معنای برشمردن حقوق زن و برشمردن وظایف زن، همان حقوق مرد است (جوکار، ۱۳۹۰: ۸۰).

زن و مرد، هر دو از لحاظ حقوقی وظایفی دارند که باید در عملی شدن آن کوشا باشند و در رفع حوائج یکدیگر تلاش کنند. وظیفه مرد دفاع، پاسداری و حمایت از حریم خانواده و برآوردن نیازهای آن‌ها است که با طبیعت او سازگار است و زنان به طور غریزی علاقه‌مندند در حمایت مردان قرار بگیرند؛ بنابراین هر فردی از اعضای خانواده هم وظایف و حقوقی دارد که همه‌ی اعضا باید به حقوق خود و دیگران آشنا باشند و به آن عمل کنند و در اینجا می‌توان ادعا کرد که عدالت زیربنای همه‌ی آفرینش، به خصوص خانواده است.

۱۱. اصل اتحاد و همبستگی

اتحاد به معنای توافق و وحدت نظر (انوری، ۱۳۸۳: ۲۳۰) و الفت در اصطلاح به معنی التیام یافتن با هم (ابن حمید، ۱۴۲۶، ج ۲: ۴۵۹) و اتفاق نظر در زندگی (جرجانی، ۱۳۷۷: ۱۵) است. همان‌طور که بیان شد وحدت و الفت به معنای اتفاق نظر در اداره زندگی بوده که از اهمیت بالایی برخوردار است، به‌گونه‌ای که بسیاری از دستورات شرعی اسلام، درباره ارتباطات اجتماعی یا عبادی اجتماعی برای دست‌یابی انسان به الفت بین مؤمنین مقرر شده است. در قرآن، نهاد خانواده به عنوان یکی از محورهای اتحاد دانسته شده: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ» (نور: ۳۲). همچنین بر حفظ پیوند الهی میان همسران تأکید می‌کند و تفرقه میان اعضای

خانواده را از دسیسه های شیطانی می داند «فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ» (بقره: ۱۰۲) و نیز در مواقعی که خانواده با خطر از هم پاشیدگی روبرو می گردد، به راهکارهایی از جمله موعظه تأکید می کند: «وَالأْتَى تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ» (نساء: ۳۴). هرگاه که تفرقه و اختلاف در میان آنان پیدا شود، به حفظ پیوند الهی در صورت درخواست همسران آنان را نوید داده است. «إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا» (نساء: ۳۵). همسران بایستی معیارها و ارزش های یکسانی را داشته باشند تا از طریق وحدت، اتحاد روحی و فکری بیابند و در راستای این اتحاد، اختلاف نظرها در سلیقه ها و فکرها از بین خواهد رفت. اگر اعضای خانواده صمیمی و متحد باشند عبور از مشکلات زندگی برایشان ساده تر می شود؛ از این رو در فرهنگ قرآنی اگر کسی از مجرای ایمان گذر کرده و به تقوا برسد، همه اعمال و رفتار و گفتارش با معیار رضای الهی سنجیده شده و در قالب این ایمان نه تنها با همسرش یک روح متحد خواهد شد بلکه با سایر مؤمنین بسیار گسترده تر یک ارتباط روحی نزدیک پیدا می کند (آل رسول و محمدخانی، ۱۳۹۰: ۱۶۶).

۱۲. اصل مصلحت

مصلحت در لغت به معنای صلاح، خیر و صواب است و جمع مصلحت مصالح است (ابن منظور، ۱۳۰۸: ۵۱۶) و در اصطلاح مصلحت به معنای سبب رسیدن به مقصود شارع و به دست آوردن آن است اعم از عبادت که مربوط به حق خود شارع است یا عادت که برای نفع بندگان و انتظام معاش و احوال آنهاست (حکیم، ۱۴۱۸: ۳۸۱). کرامت و عدالت مطلق، از غایت هایی آرمانی است؛ ولی هر دو، در مقام اجرا، در برابر چالش و مانع هایی قرار می گیرند که نوبت به صلح و سازش و مصلحت اندیشی می رسد. به طور مثال در خانواده ممکن است، حق با یکی از طرفین باشد و برپایی عدل و حفظ کرامت انسانی اقتضا کند که از حق خود نگذرد، اما چون قرآن در صدد حفظ حریم خانواده است به آنها پیشنهاد می کند که برای ایجاد انس، علاقه و جلب توافق یکدیگر از بعضی حقوق زناشویی خود صرف نظر کنند تا به این وسیله از جدایی و طلاق جلوگیری شود. خداوند در آیه ۱۲۸ سوره نساء زنان را مورد خطاب قرار می دهد در مواردی که از سوی همسرانشان جفایی می بینند به «صلح و سازش با آنان» توصیه می کند و می فرماید: «وَإِنْ أَمْرَاهُ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ

الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (نساء: ۱۲۸). یعنی اگر زنی از سرکشی و طغیان و یا اعراض شوهرش بیمناک باشد، مانعی ندارد که صلح کنند و صلح بهتر می باشد، هر چند مردم بخل می ورزند و اگر نیکی و پرهیزگاری کنید، خداوند به انجام کارهایتان آگاه است. در خانواده اجرای اصل مصلحت موجب انسجام جامعه، کم شدن کینه ها و افزایش محبت و آرامش خانوادگی و اجتماعی می شود هر چند بعضی چنین صلحی را صحیح نمی دانند چون در حقیقت ممکن است حقی ضایع گردد؛ ولی برای حفظ مصلحتی بالاتر باید از این حق گذشت.

۱۳. اصل مدیریت و پاسداری

هر جامعه انسانی برای اداره خود نیاز به مدیرانی کارآمد دارد که در موارد لازم از هم گسستگی و فروپاشی جامعه جلوگیری نمایند. تثبیت نقش ها، بهترین مدیریت در خانواده است. مرد به عنوان همسر و پدر خانواده، حق پدری و همسری دارد؛ لذا باید جایگاهش رعایت شود و زن نیز به عنوان مادر و همسر خانواده، حقوقش محفوظ است. فرزندان نیز باید پدر و مادر را در جایگاه خود باور داشته باشند. بر اساس دیدگاه قرآن پدرسالاری و مادرسالاری و فرزند سالاری در خانواده معنا ندارد و همه تابع حق و عدالت هستند. خداوند در سوره نساء می فرماید: «مردان نگهبان و سرپرست زنان اند، به خاطر برتری هایی که از اموال ایشان می کنند» (نساء: ۳۴). مدیریت مرد بر خانواده و زن از نظر عقلی می تواند به این دلیل باشد که مبادرت به انتخاب همسر و تشکیل خانواده، تأمین معاش زن و فرزندان و حفظ مصالح آن ها و حمایت از همسر به طور طبیعی بر عهده مرد است؛ لذا اگر قرار باشد نیازهای اقتصادی، حمایتی و نیز حفظ و حراست از آن ها و کیان خانواده بر عهده مرد باشد و سرپرستی و ریاست به عهده کسی دیگر، ظلم بزرگی به مرد خواهد شد (جوکار، ۱۳۹۰: ۹۹).

با توجه به تفاوت افراد به این نتیجه می رسیم که اولاً تا بین افراد و طبقات مختلف هماهنگی ایجاد نشود، زندگی به خوبی اداره نمی گردد؛ زیرا در مسائل اقتصادی و اجتماعی و تأمین نیازهای منزل و اداره امور زندگی، توانایی مرد بیشتر بوده و ثانیاً تأمین هزینه های زندگی بر عهده او است که این سرپرستی معنای افضل بودن ندارد؛ از این رو به مدیریتی شایسته برای حفظ حریم

خانواده نیاز است تا بتواند در موارد لزوم باعث استحکام روابط بین اعضای خانواده شود. همچنین در محور اصول خانواده، مدیریت بر عهده مرد است که با دستورهایی بوده و غیر از زورگویی و دیکتاتوری است. البته گاهی با صلاحدید طرفین این مدیریت متغیر می شود؛ یعنی زن اداره خانه را بر عهده می گیرد و مرد از او اطاعت می کند که همه این موارد در حدود و احکام دینی وجود دارد (بهرامی و نمازی، ۱۳۹۵: ۳).

بنابراین قوامیت و ریاست مرد، به عنوان مسئولیت و وظیفه او تلقی شده، تکلیفی برای کاراندیشی، حمایت و حفظ صلاح و مصلحت خانواده و اعضای آن بوده و از امور مرتبط با نظم عمومی می باشد، لیکن با در نظر گرفتن امتیازات و اختیارات ناشی از این اقتدار قانونی و روا نبودن مزاحمت و ممانعت دیگران با آن، به صورت حق جلوه گر است و در نهایت، می توان ریاست مرد بر خانواده را به صورت آمیزه ای از حق و تکلیف دانست (جوکار، ۱۳۹۹: ۹۰).

خداوند به مرد حق ریاست و حکومت عادلانه داده است و آن به معنای حق تحکم و زورگویی نیست. از این رو، مرد موظف به انجام صحیح این مسئولیت می شود و زن هم وظیفه دارد این ریاست را پذیرفته و در جهت مصالح خانواده و تأمین فضایی آرام و توأم با مودت و صمیمیت، با مرد همکاری نماید (همان: ۱۰۱).

۱۴. اصل مشاور

واژه های «مشاوره» و «مشورت» از ماده «شور» به معنای استخراج رأی و نظر صحیح است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۴۶۹). به این بیان که انسان در مواقعی که خود درباره کاری به رأی و نظر صحیح نرسیده، به دیگری مراجعه کند و از او نظر صحیح را بخواهد و کلمه «شورا» به معنای آن پیشنهاد و کاری است که درباره اش مشاوره می شود (طباطبایی، ۱۴۱۲، ج ۱۸: ۹۳).

مشاوره و مشورت از لحاظ مذهبی و تاریخی در بین اقوام مختلف وجود داشته است. در دین مبین اسلام به مشورت و مشاوره توجه خاصی شده و مشاوره از دیدگاه اسلام، تبادل نظر و شرکت در اندیشه دیگران است. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) می فرمایند: «مَنْ شَاوَرَ ذَوِي الْأَلْبَابِ دُلَّ عَلَى الصَّوَابِ» (مفید، ۱۴۱۳: ۱۶۲) یعنی، کسی که با صاحبان اندیشه و فکر مشورت نماید، راه صواب و خیر را می یابد؛ از این رو آن حضرت رسیدن به کمال و رشد آدمیان را در

گرو مشورت با سایرین می‌دانند و همچنین می‌فرمایند: «ما مِنْ رَجُلٍ يَشَاوِرُ أَحَدًا إِلَّا هُدِيَ إِلَى الرُّشْدِ»؛ یعنی، هر فردی که با دیگری مشورت کند، به رشد و کمال خود می‌رسد و درباره تصمیم‌گیری فرمودند: «العزم مشاور أهل الرأي، ثم اتباعهم» (آمدی، ۱۳۴۹، ج ۲: حکمت ۲۹۹)؛ یعنی تصمیم‌گیری تعبیر از مشاوره کردن با صاحبان اندیشه و فکر و آن‌گاه پیروی نمودن از آنان است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «وَمَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عَقُولِهَا» (نهج البلاغه، حکمت ۱۵۸) یعنی هر کسی که با افراد با کمال و لایق مشاوره نماید، در عقل آنان شریک شده است.

در نظر اسلام، خودرأیی باعث هلاکت آدمی می‌شود. در آیه ۳۸ سوره شوری آمده است: «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» (شوری: ۳۸)؛ یعنی آنچه نزد خداوند بهتر و پاینده‌تر است برای کسانی است که دعوت پروردگار خود را پذیرفتند و نماز را به پا داشتند و کارهایشان را با مشورت با یکدیگر انجام دادند؛ بدین سبب مشورت در کارها باعث بهتر شدن کار و استمرار آن می‌شود و نیز در قرآن به پیامبر اسلام خطاب شده که «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» (آل عمران: ۱۵۹)؛ یعنی ای پیامبر، در کارهای مهم با مسلمانان مشورت نما و وقتی تصمیم گرفتی، بر خداوند توکل کن (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۱: ۲۰). این آیه به چند مطلب اشاره دارد، اول این‌که؛ قبل از تصمیم‌گیری، با افراد مؤمن مشورت شود. دوم این‌که؛ مشورت در کارهای مهم صورت گیرد و سوم پس از مشورت تصمیم‌گیری کنند. پس از تصمیم‌گیری بر خداوند توکل کنند و به رحمت او و توفیق در کارها امید داشته باشند.

در اسلام مشاوره دامنه‌ی وسیعی داشته و شامل مسائل فردی، خانوادگی و اجتماعی می‌شود و در قرآن مجید به زن و شوهر توصیه می‌کند تا برای از شیر گرفتن کودک خود با یکدیگر مشورت کنند و در صورت رضایت دو طرف کودک خود را از شیر بازگیرند (بقره: ۲۳۳). در مشورت سن و سال افراد خانواده مهم نیست هرچند در آداب تربیتی و فرهنگ دینی ما حرمت نهادن به بزرگ خانواده یک وظیفه مهم است. مشورت کردن با اعضای خانواده مانع آسیب در عمل و تصمیم‌گیری می‌شود و در مسائل خانوادگی نیز تصمیم‌گیری‌های بدون مشورت و یک‌طرفه با سایر اعضای خانه، اغلب مسئله‌ساز است.

همچنین احترام گذاشتن به همسر و فرزندان ایجاب می‌نماید که درباره موضوعاتی که به امور

خانواده مرتبط است، با آنان مشورت شود که ثمره‌ی این مشورت بهره‌گیری از افکار آنان خواهد بود. اگر خانواده‌ها نوعی مجلس شورای خانوادگی باشند و اعضای خانواده، هم حق نظر دادن داشته و مشکلات و مسائل خانواده را با مشورت و تبادل حل کنند، خانواده‌ی بسیار موفق‌تری خواهند بود و موجب پدید آمدن محیط جمعی صمیمی و متعادل خواهند شد؛ درحالی‌که عدم مشورت و تکروری، اغلب بحران‌آفرین و مسئله‌ساز و حداقل زمینه‌ساز گله و شکایت می‌شود (محدثی، ۱۳۹۶: ۲).

از نمونه‌های بارز تکریم و احترام فرزندان، مشورت کردن با آنان از اوایل نوجوانی است و عنایت و توجه به نوجوانان موجب بروز تفکر و اندیشه آنان و نیز شکوفایی استعدادهای عقلی نهفته در آن‌ها و ایجاد نوآوری و خلاقیت عملی و استقلال فکری خواهد شد؛ بنابراین مشورت با فرزندان در موضوعات و مسائل گوناگون زندگی و خانوادگی و نظرخواهی از آنان در مباحث اجتماعی و علمی به تدریج توانایی‌های بالقوه‌ی آنان را آشکار ساخته و فرزندان را در اداره‌ی زندگی خود در آینده توانمند و آگاه می‌گرداند.

۱۵. اصل احترام

از اصول حاکم دیگر بر روابط خانواده، رعایت احترام و حفظ شخصیت همسر و خانواده است. لذا در روایات نیز آمده است؛ زنی که احترام شوهر را نگه دارد و باعث اذیت او نشود، به عنوان زن خوشبخت معرفی شده است. همچنین امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «سَعِيدَةٌ سَعِيدَةٌ إِمْرَأَةٌ تُكْرِمُ زَوْجَهَا وَ لَا تُؤْذِيهِ» خوشبخت است، خوشبخت، زنی که شوهرش را تکریم کرده و اذیت ننماید (عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۶: ۲۸۰)؛ بنابراین از منظر پیشوایان دین اسلام، اکرام زن توسط همسرش، حکایت از کرم و طبع بلند مرد داشته و اهانت به زن نشان‌دهنده حقارت نفس او است (سلیمی، ۱۳۸۶، ح ۱۵۶).

در قرآن، احترام به پدر و مادر بعد از مسئله توحید بیان شده است که نشانه اهمیت این حکم می‌باشد و در آیه ۲۳ و ۲۴ سوره اسراء آمده است: «خداوند فرمان داده که جز او را نپرستید و به پدر و مادر خود نیکی کنید. زمانی که یکی یا هر دوی آن‌ها به پیری برسند، به آن‌ها کمترین اهانت نکن و بر آن‌ها فریاد نزن و گفتار بزرگووارانه به آن‌ها بگو» (اسراء: ۲۳) و همچنین «بال‌های تواضع

خود را از لطف و محبت در برابر آن‌ها فرود بیار و بگو خداوندا همان‌گونه که مرا در کوچکی تربیت کردند، آنان را مشمول رحمت خود قرار ده» (اسراء: ۲۴) که در تفسیر مختصر از این آیات، خضوع در برابر پدر و مادر و به کار نبردن کمترین تعبیر بی‌ادبانه و دعا در حق ایشان برداشت می‌شود؛ از این رو یکی از عوامل امنیت و تحکیم روابط افراد خانواده، احسان و تکریم و احترام به پدر و مادر است.

یکی دیگر از تفاوت‌های روانشناسی زن و مرد، نیاز مرد به تقدیر و نیاز زن به احترام است. وقتی مرد در رفتارش به افکار و احساسات همسرش توجه می‌کند، زن کاملاً مطمئن خواهد شد که شوهرش برای او احترام قائل است و در مقابل وقتی زن احساس کند که مورد احترام شوهرش قرار گرفته، به راحتی از همسرش تقدیر و تشکر می‌کند و با این کار یکی از نیازهای او را برآورده می‌سازد (جان‌گری، ۱۳۸۱: ۱۸۷-۱۸۸)؛ بنابراین حفظ شخصیت و احترام یکدیگر باعث تحکیم و صمیمی‌تر شدن روابط زوجین می‌شود و در نتیجه آن حفظ استحکام خانواده خواهد بود که بر فرزندان تأثیر مثبت داشته و به آن‌ها می‌آموزد که به همگان احترام بگذارند و از تحقیر و توهین دیگران بپرهیزند (جوکار، ۱۳۹۰: ۸۷).

۱۶. اصل اخلاق و حسن معاشرت (تضمین تحکیم خانواده)

داشتن اخلاق خوش یکی از اصول سرنوشت‌ساز و مهم در حیات انسان‌هاست. جامعه سالم و زنده با صنعت و ماشین به دست نیامده؛ بلکه روابط حسنه الهی و مناسبت‌های اخلاقی سازنده جامعه سالم و زنده است. ویل دورانت می‌گوید: «در میان جنگ‌ها و ماشین‌ها چنان غرق شده‌ایم که از درک این حقیقت بی‌خبر مانده‌ایم که در زندگی، واقعیت اساسی، صنعت و سیاست نیست، بلکه مناسبت‌های انسانی و همکاری افراد خانه از زن و شوهر، پدر و مادر و فرزندان است» (ویل دورانت، ۱۳۷۱: ۱).

یکی از ویژگی‌های انسان، نیاز و تمایل او به معاشرت است و از معاشرت، جز محبت دیدن و محبت ورزیدن انتظاری نیست. چرا که خلقت انسان بر اساس عشق و محبت بوده، همین بهترین انگیزه‌ی او در هر گونه تلاشی است. هرچند انسان عموماً در تشخیص عشق حقیقی به بیراهه می‌رود، ولی عشق‌های صوری یا حتی باطل هم این خاصیت را داشته که انسان را به تکاپو وادارند و

امیدوار و مجذوب کنند. خداوند بلندمرتبه برخوردها و رفتارهای صحیح انسانی را در خانواده با «حسن معاشرت» معرفی می‌فرماید و از زن و مرد، رعایت کردن آن را با میزان «معروف»، یعنی رفتاری پسندیده و انسانی می‌خواهد «وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (نساء: ۵) و با آن‌ها سخن شایسته بگویید «وَعَاشِرُوهُمْ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۱۹) و با آنان به گونه‌ی شایسته رفتار کنید (بهشتی، ۱۳۹۱: ۱۰۳).

حسن معاشرت در محیط خانواده، در دو محدوده دستورالعمل‌های اخلاقی و مرزهای حقوقی تعیین می‌شود و تعبیر «حسن معاشرت» که به عنوان یک حق برای زن و یک وظیفه برای شوهر مطرح می‌گردد و عامل تحکیم زندگی خانوادگی است، اگر به خوبی باز شود، نشان‌دهنده تمام آن اموری است که مرد در برابر زن بایستی انجام دهد؛ از این رو این‌طور گفته شده که در «نفقه» همه نیازمندی‌های جسمی زن باید تأمین شود و در «حسن معاشرت» همه نیازمندی‌های روحی او تأمین می‌گردد (نساء: ۵). نه تنها خوش‌اخلاقی در محیط زندگی، انسان را از انواع تشنج‌های عصبی و نگرانی‌ها مصون می‌دارد؛ بلکه عامل بسیار مؤثری برای پیروزی بر دشواری‌ها و مشکلاتی است که برای انسان پیش خواهد آمد (بهرامی و نمازی، ۱۳۹۵: ۵).

بنابراین اهداف بلندمدت و مقدس و حساسیت محیط خانواده اقتضاء می‌کند که همسران باید بیشترین دقت را در رعایت حسن معاشرت با یکدیگر داشته، از خانه، فضایی سرشار از ملاحظت و انس بسازند؛ بنابراین همه‌ی حقوقدانان نیز معترف‌اند که در حریم خانواده، عدم پشتوانه اخلاق، نفوذ قانون و التزام برای تحقق مفاد آن، امری غیر ممکن است و ورود مسئولین قضایی و دولتمردان به حمایت از آیین‌نامه‌های حقوقی، کمتر می‌تواند به معضلات خانواده پاسخ مناسب بدهد و هرچه این کانون بتواند از کشمکش‌های حقوقی مصون‌تر باشد، استحکام و ثبات بیشتری دارد و افراد آن از شخصیت کامل‌تری بهره‌مند خواهند بود (جوکار، ۱۳۹۰: ۸۵).

۱۷. اصل اقتصاد و مدیریت بودجه خانواده

یکی دیگر از عوامل مؤثر در روابط خانواده، میزان درآمد و رفاه نسبی خانواده است. روابط در خانواده فقیر با خانواده بی‌نیاز متفاوت بوده و اقتصادی ضعیف، خانواده‌های فقیر در پی خواهد داشت. لذا در چنین خانواده‌هایی، تلاش پدر به‌تنهایی جوابگو نبوده و مادر مجبور به کار در خارج

از منزل می باشد و گاه فرزندان هم وارد بازار کار می شوند؛ بنابراین اشتغال مادران و جدایی آن ها از کودکان در سنین مختلف زندگی از عواملی است که به انحای مختلف در تعادل رفتاری و روان کودک وی مؤثر است. از دیدگاه روان شناسان بسیاری، سپردن کودکان به سازمان های خاص، مانند مهدهای کودک، آن هم در زمانی که کودک بیشترین نیاز را به مادر دارد، باعث بروز نابسامانی های روانی خاصی در بزرگسالی خواهد شد (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۷۲).

قرآن در سوره نساء می فرماید: «مردان نگهبان و سرپرست زنان اند، به علت برتری هایی که از اموال ایشان (در مورد زنان) دارند» (نساء: ۳۴) که البته این آیه نشانه ی برتری انسانی مرد بر زن نیست. مدیریت مرد در خانه به عنوان یک مسئولیت اجرایی به موجب توانایی مرد در مسائل اجتماعی و امور اقتصادی و اداره زندگی و تأمین نیازهای منزل است که افزون بر آن تأمین هزینه زن را نیز به عهده دارد. زن با ایمان با علم و آگاهی برای جلوگیری از تضاد و منازعه و مبارزه در محیط خانه، مدیریت شوهر خویش را می پذیرد که البته با دستور الهی و دور از زورگویی و دیکتاتوری است. البته گاهی به مصلحت دو طرف این مدیریت متغیر بوده و اداره خانه برعهده زن است (حسن زاده، ۱۳۹۲: ۵۳).

عدم حضور مادر در مدت زمان طولانی خارج از منزل به تنظیم روابط و اداره آن لطمه می زند و در انهدام خانواده بی تأثیر نیست. اصل اقتصاد در روابط خانواده های غنی نیز به گونه ای دیگر تأثیرگذار است؛ چنانچه در این قشر نیز اگر داشتن امکانات رفاهی فراوان و ثروت، همراه با فرهنگ سازی نباشد، سرگرمی افراد ثروتمند به تأمین خواسته های متنوع خود در خارج و داخل از منزل، ممکن است موجبات از هم گسیختگی روابط را فراهم آورد؛ بنابراین اگر خانواده ها از حیث درآمد، پاسخگوی نیازهای خویش بوده و فرهنگ صحیح روابط را بیاموزند و به کارگیرند، فرصت رفع نیازهای عاطفی و روحی خود را در خانواده پیدا خواهند کرد که به تحکیم روابط آنان می انجامد (بهرامی و نمازی، ۱۳۹۵: ۳).

۱۸. اصل نظم و انضباط در میان اعضای خانواده

نظم در لغت به معنای آراستن، برپاداشتن، ترتیب دادن کار و... (صفی پورشیرازی، ۱۳۸۸، واژه نظم) به معنای هماهنگی، آراستگی، پیوستگی و انضباط و نیز در لغت به معنای استوار شدن،

نگاه داشتن رعایت قوانین و مقررات و نیز وفای به نظم می باشد. نظام هستی آفرینش و قوانین حاکم بر آن، از نظم و انضباط شگفت انگیزی برخوردار است؛ به راستی که در آفرینش همه چیز بر روی زمین و آسمان ها نظم حیرت انگیز و خاصی در جهان خلقت دیده می شود و در جهان هستی هیچ گونه ناهماهنگی مشاهده نمی گردد و جهان با همه بزرگی از نظم و انسجام خاصی برخوردار است. ما نیز همسو با نظم جهان هستی، شایسته است در زندگی و در رفتار و افکار خود نظم دهیم (گروه دین و اندیشه، ۱۳۹۱: ۱).

خداوند در قرآن می فرماید: «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» (قمر: ۴۹) یعنی ما هر چیزی را روی حساب و به اندازه آفریدیم. خدای حکیمی که نظم را در دستگاه عظیم خلقت قرار داده است؛ از این رو نظم را در زندگی و روابط اجتماعی انسان ها می پسندد. توصیه های مکرری در قرآن به تقوا در تشکیل خانواده شده است و اسلام نه تنها در هیچ یک از حوزه های جامعه خود به هرج و مرج معتقد نبوده؛ بلکه همواره خواستار نظم و انضباط در همه ابعاد فردی یا همگانی است.

در واقع، اسلام از رهنمودهای آسمانی در تشکیلات خود مایه می گیرد که در آن محدودیت های اقلیمی، قومی و یا نژادی و مانند آن وجود ندارد؛ زیرا این رهنمودها توسط باری تعالی وحی و الهام شده است (حسن زاده، ۱۳۹۲: ۵۵). افراد خانواده ی منضبط و منظم، سریع تر به هدف خود می رسند و از تحرک و نشاط بیشتری برخوردارند و در زندگی نیز برنامه ریزی بهتری خواهند داشت. وقتی به زندگی ائمه می نگریم می بینیم بخشی از زندگی ائمه به کار و تلاش و امور مردم، قسمتی به تأمین معاش و ساعت هایی به تلاوت قرآن، بخشی به تعلیم و تربیت و زمان کمتری به استراحت و بخشی به ذکر خدا و عبادت می گذشته است، در محیط خانه در پرتو نظم و انضباط است که حقوق افراد مراعات می شود و با احترام گذاشتن به حقوق دیگران حقی پایمال نمی گردد و در نتیجه فکر منسجم و روح آراسته، سخن و رفتار و زندگی را سامان می دهد و همه در پایداری نظم و انضباط می تواند معنا و مفهوم یابد.

۱۹. اصل صداقت

صداقت به عنوان عاملی مهم در تحکیم خانواده است. روایات زیادی در قبح و زشتی عدم صداقت و کذب نقل شده است. امام باقر (علیه السلام) به نقل از پدر بزرگوارشان امام سجاد

می فرماید: «از دروغ، کوچک و بزرگش پرهیزید؛ زیرا وقتی انسان در امور کوچک دروغ بگوید، بر دروغ بزرگ هم جرأت می یابد» (کلینی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۳۳۹ و ۳۴۰).

امام صادق (علیه السلام) نیز در این باره می فرماید: «آدم کذاب، پر دروغ، به وسیله دلایل آشکار هلاک می شود و پیروان خویش را هم به وسیله شبهات نابود می کند» (کلینی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۳۴۰)؛ بنابراین در روایات، کذب باز کردن درهای بدی و شر و گناهی است که ایمان را از بین می برد. نتیجه این که چگونه می توان انتظار داشت به خانواده ای که بایست بر مبنای ایمان شکل گیرد، صدمه وارد نسازد (حسن زاده، ۱۳۹۲: ۶۱).

خداوند در قرآن از دروغ گویی به عنوان نشانه بی اعتمادی یاد کرده و می فرماید: «إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ» (نحل: ۱۰۵) یعنی کسانی که به آیات خدا ایمان ندارند، دروغ پردازی می کنند و آنان خود دروغ گویان هستند. پس ادای امانت و راست گویی دو نشانه بارز ایمان و شخصیت انسان می باشند و دلالت این دو بر ایمان از نماز هم بیشتر و برتر است. حاکمیت صداقت در فضای خانواده موجب تحکیم افراد خانواده می شود و در طرف مقابل، دروغ گویی و عدم صداقت از عوامل تخریب خانه و خانواده می باشد که ابتدا روح و شخصیت خود فرد را تخریب ساخته و سپس به خانواده و جامعه وی زیان وارد می کند؛ لذا دروغ و کذب، مخرب و ویرانگر استحکام خانواده است. عدم صداقت در زن یا شوهر، فضای خانواده را به بدبینی و بی اعتمادی می کشاند و زمینه اختلاف را فراهم می کند. همچنین برای بالندگی روابط در خانواده باید هم روابط کلامی و هم روابط بدنی از قبیل وضعیت بدنی افراد نسبت به هم، آهنگ صدا، تماس های چشمی و حرکات بدن به صورت روشن و مستقیم باشد که چنین ارتباطی این امکان را به اعضای خانواده می دهد که تعهد، شایستگی، خلاقیت و صداقت داشته باشند و در مقابل مشکلات برخورد مناسبی نشان دهند.

۲۰. اصل رازداری و وفاداری

وفاداری یعنی استمرار و پایداری محبت و التزام و ثبات قدم نشان دادن به لوازم محبت تا لحظه های آخر عمر است و نیز محبت داشتن به اولاد، رفقا و متعلقان محبوب، پس از مرگ او است (نیلی پور، ۱۳۸۰: ۶۸۵). از سوی دیگر می توان گفت وفاداری به معنای رعایت حقوق

حق‌داران نسبت به انسان و وفا به تعهدات آنان در حال زندگی و مرگ آنها است (همان: ۶۸۶). در مقام عمل نیز، مقصود از وفاداری می‌تواند به این معنا باشد که اگر زن و مرد از همدیگر اشتباهی دیدند، نباید خوبی‌های یکدیگر را فراموش کنند (مظاهری، ۱۳۸۴: ۱۵۲).

بنابراین وفاداری را می‌توان از شروط همسری و عضویت در خانواده دانست و رازداری هم به عنوان یکی از مهم‌ترین شروط وفاداری همسر بوده که در آیات نخست سوره تحریم، امانت‌داری در حریم خانواده مورد تأکید قرار گرفته است و خداوند در این آیات به اشاره به خطای برخی همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «وَإِذْ أَسْرَأَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَأَهَا بِهِ قَالَتْ مِنْ أَنْبَاكَ هَذَا قَالَ نَبَأَنِي الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ» (تحریم: ۳) که خداوند در این آیه، افشای راز را در روابط خانوادگی قبیح می‌داند و برخی همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به موجب این عمل، سرزنش می‌کند. همچنین در سوره نساء چنین می‌فرماید: «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ» (نساء: ۳۴) زنان صالح متواضع‌اند و در غیاب همسر خویش، اسرار و حقوق او را در مقابل حقوق که خداوند برای آنان در نظر گرفته، حفظ می‌کنند؛ بنابراین ممکن است عبارت «حافظات للغیب» ناظر به حفظ عفت یا اموال باشد و یا با توجه به اطلاق عبارت، هر دو مراد است. همچنین در سوره مبارکه تحریم آمده است: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتِ نُوحٍ وَإِمْرَأَتِ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِّنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَا هُمَا فَلَشِمْنَ لُغْمًا مِّنْ أَلْسِنَتِنَا مِمَّا كَفَرْنَا» (تحریم: ۱۰) برای کسانی که کفر ورزیده‌اند، خداوند نوح و لوط را مثل آورده که در نکاح دو بنده از بندگان شایسته ما بودند؛ ولی به آنها خیانت کردند و در برابر خداوند کاری از دست شوهران آنها ساخته نبود.

یکی از موضوعات مهم در تحکیم خانواده، وفاداری همسران است که تحت تأثیر عوامل متعدد اجتماعی و روان‌شناختی است. در علم روان‌شناسی به موضوع جدایی، عشق، رابطه سالم، مسائل زناشویی و رفتارهای میان فردی به عنوان عوامل مؤثر بر وفاداری همسران توجه شده است. در دیدگاه اسلامی نیز با الگو قرار دادن حضرت زهرا (سلام الله علیها) در وفاداری به همسر بزرگوارشان امام علی (علیه السلام) عواملی چون حجاب، عفت، احترام متقابل، رابطه سالم، تفاهم و تعاون در خانواده، مشارکت در زندگی، عشق و مهربانی معنوی نسبت به یکدیگر، توجه به

زیبایی و آراستگی، آرایش برای یکدیگر و در نهایت رعایت حقوق یکدیگر از عوامل مؤثر بر وفاداری همسران به شمار می رود (کجباف، ۱۳۹۴: ۱۶۰).

از سویی وفاداری میان اعضای خانواده باعث ایجاد صمیمیت و محبت می شود و نیز سپری محکم در برابر سختی ها و مشکلات و پشتیبانی پایدار جهت استحکام بنیان خانواده است (بهرامی و نمازی، ۱۳۹۵: ۶)؛ لذا اسلام برای توسعه وفاداری همسران نسبت به هم راهبردهای متفاوتی مانند ارتباطات سالم خانوادگی، حجاب و عفاف، نگرش مثبت زن و مرد به یکدیگر، رفاه خانوادگی، توسعه اجتماعی و عاطفی و پرهیز از نارضایتی جنسی و نیز ارضای کامل نیاز جنسی را با رعایت همه اصول اخلاق اسلامی ارائه نموده است (کجباف، ۱۳۹۴: ۱۵۹). با توجه به مفهوم وسیع وفاداری، می توان گفت مقصود از این واژه در روابط زوجین، تعهد متقابل آن ها در اخلاق جنسی هم می تواند باشد؛ از این رو باید در امور جنسی از بیگانه چشم پوشند و ارضای نیازهای جنسی خود را در چارچوب خانواده و در کنار همسر خویش جستجو کنند. از این رو قرآن کریم نیز جامعه و خانواده را عاری از هرگونه آلودگی اخلاقی در مسائل جنسی می خواهد و تردیدی نیست که نقض وفاداری در امور جنسی می تواند جامعه را آلوده کند و در چنین جامعه ای که محرک های جنسی در آن فراوان است، خانواده نیز در معرض انحلال واقع می شود. از این رو، این دو نهاد تأثیر متقابل داشته و فساد و صلاح هرکدام در دیگری اثر می گذارد.

نتیجه گیری

خانواده به عنوان عنصر اساسی تعیین کننده در شکل گیری شخصیت انسان، در کانون توجه اسلام قرار دارد. از آنجا که در تحکیم جامعه انسانی استحکام خانواده تأثیر مثبتی دارد، قرآن نیز به ثبات و تحکیم خانواده عنایت داشته و برای استحکام خانواده اصول و راهکارهایی را برای حل اختلافات و مشکلات و جلوگیری از متلاشی شدن خانواده ها بیان نموده که یکی از این راه ها مشورت و همفکری در مسائل خانوادگی است. این روش در عین ایجاد خانواده ای صمیمی و مستحکم، بهترین محافظ در برابر اختلافات و مشکلات و موانع زندگی نیز هست.

مسلم است که همراهی و همکاری زن و شوهر در اداره امور زندگی و انجام کارها در منزل، پرهیز از مسامحه کاری و رعایت نظم در امور زندگی، علاوه بر کمک به صمیمی تر شدن روابط

آن‌ها، به عنوان مهم‌ترین شیوه برای ایجاد روحیه تعاون و همکاری در فرزندان و پرورش مسئولیت‌پذیری در آن‌ها خواهد شد. اصل مهمی که برخی درمانگران خانواده برای کارایی و سلامت خانواده لازم شمرده‌اند، رعایت مرزهای عاطفی و رفتاری درون و بیرون خانواده است. حدود و شرایط نگاه کردن به دیگران و پوشش شرعی، مجزا بودن فضای فیزیکی و روانی زن و شوهر از سایرین در درون خانه در ساعات معینی از شبانه‌روز و فضای اختصاصی برای فرزندان و... که در متون اسلامی نیز مورد تأکید قرار گرفته است؛ بنابراین مهم‌ترین کارکرد رعایت این مرزها، تحکیم روابط عاطفی بین اعضای خانواده است.

وفاداری زوجین به یکدیگر در امور جنسی، وابستگی آنان را به یکدیگر زیاد می‌کند و آنان را پایبند به خانواده نگه می‌دارد و در مقابل «روابط آزاد جنسی» موجب سستی خانواده و کاهش وابستگی زوجین به یکدیگر خواهد شد. همچنین اوضاع اقتصادی جامعه، در تنظیم و تعدیل روابط خانواده مؤثر بوده، حسن معاشرت به معروف مبتنی بر اصل مودت و رحمت بوده و زمانی که زوجین عامل ایجاد امنیت روانی و سکینه قلب یکدیگر باشند، حاصل می‌شود تا آن‌ها بتوانند تعامل فکری و رفتاری داشته و خانه را محل آرام و امنی برای خود و فرزندان بسازند تا همگی به سایه مودت و رحمت الهی نائل آیند.

در کلام آخر بهترین توشه در راه پیمودن مسیر کمال این است که در یک نظام هماهنگ، اعضای خانواده بتوانند تعادل روحی و روانی لازم برای کلیه اعضای خانواده را فراهم کنند که چون ارتقای هریک از اعضای خانواده به ارتقای دیگر اعضا بستگی دارد و کمال هریک در کمال سایر افراد خواهد بود و هدف از خلقت انسان رسیدن به کمال و تقرب الی الله است، پس باید در ایجاد این امنیت تلاش نمود و با اجرای اصولی که در قرآن بیان شد امنیت و ثبات خانواده و نیز ارزش‌های دینی، اخلاقی و انسانی حاکم بر خانواده‌ها تقویت و حفظ گردد.

پیشنهادها

۱. همه گروه‌های بشری مراتبی دارند که خانواده از این امر مستثنا نیست و لازم است برای تحکیم ساختار خانواده، «جایگاه سنتی والدین در خانواده» که در تربیت و اجتماعی کردن فرزندان نقش مهمی ایفا می‌کنند، استمرار بخشیده شود؛ همچنین در حفظ و تقویت خانواده، استمرار و

تحکیم «روابط خویشاوندی»، بسیار مؤثر است. کم شدن رابطه خانواده با سایر خویشاوندان به ویژه خانواده های اصلی زن و شوهر، باعث مشکلات مختلف در زندگی خانوادگی شده و محرومیت از روابط عاطفی و مادی آن ها را در پی خواهد داشت.

۲. در خانواده «تحکیم باورهای دینی»، در تقویت خانواده و ایفای کارکردهای آن تأثیر مهمی دارد. گم کردن معنا و جهت زندگی، افراد را دچار آشفتگی می کند و در مشکلات زندگی خانوادگی و فردی آنان را به استیصال می کشد. لذا در اعضای خانواده به ویژه والدین، ترویج چنین معنوی می تواند خانواده ها را از بسیاری از بحران ها نجات بخشد که این پیوند معنوی در رفتار و هویت یابی فرزندان نقش بسیاری دارد.

۳. تزلزل در بنیان خانواده به عنوان زنگ خطر جدی برای مسئولان ذی ربط است. آسیب های اجتماعی با افزایش آسیب های خانواده مجال ظهور می یابند. اعمالی مانند، قتل، اعتیاد، دزدی، تخریب، نزاع، غارت، تجاوز، کلاه برداری و... به عنوان رفتار بزهکارانه می تواند ریشه در نهاد خانواده ناسالم داشته باشد. بهترین راه حل در حال حاضر، ایجاد تیم های تخصصی و مشاوره قبل و بعد از ازدواج می باشد تا با ارائه راهکارهای صحیح به زوجین، آنان را در برقراری ارتباط مناسب و مؤثر یاری کنند.

۴. با توجه به نقش رسانه ها بر تغییرات نهاد خانواده و نیز ماهواره و فضای مجازی و غیره که در مواردی موجب بحران طلاق و آسیب های جبران ناپذیر دیگر می شود؛ پیشنهاد می گردد که نهادهای فرهنگی با افزایش سطح آگاهی مردم و نیز کنترل این فضاها به سالم سازی نهاد خانواده ها کمک کنند و همچنین برای جلوگیری از فروپاشی خانواده به سبب ارتباطات مجازی و حفظ انسجام آن، کنترل استفاده از رسانه ها در خانواده پیشنهاد می گردد. لذا ترویج فرهنگ استفاده معقول و مناسب از رسانه ها، بهترین راه تربیت خانواده است؛ بنابراین در بعد کیفی و کمی، استفاده از رسانه ها می بایست تعدیل و مهار شود و برای استفاده اعضای خانواده از رسانه، برنامه ریزی معینی تدوین گردد.

۵. از جمله حمایت های دولت که موظف است در راستای تحکیم نهاد خانواده داشته باشد، می توان جلوگیری از فروپاشی خانواده ها و طلاق را دانست که این مسیری است که دولت ها

به تنهایی و در مدت زمان کم نمی توانند گره درهم پیچیده مسائل اجتماعی را باز کنند و به تدریج و در طول زمان باید انتظار داشت ولی در هر جامعه به علت موقعیت برتر دولت و نیز فراتر بودن مسائل اجتماعی از حوزه اختیار و اراده شخصی، انتظار می رود که دولت ها با در اختیار داشتن منابع و اقتدار لازم، حق تنظیم و مدیریت امور جامعه را برای تخفیف مشکلات اجتماعی و نیز برای مرتفع ساختن آن ها که تأثیر سریع تری بر زندگی خانوادگی دارند را داشته و به اجرای برنامه های مناسب اقدام نمایند که در این صورت می توان انتظار جامعه پذیری صحیح سیاسی و انتقال مناسب نقش قدرت به افراد درونش را داشت و موجب کارکرد تربیتی مناسب و انسجام بخش شد.

۶. با توجه به اصل دهم قانون اساسی که شیوه های مختلف حمایت خانواده در آن بیان شده است می توان بر این اساس برداشتن موانع ازدواج و تسهیل تشکیل خانواده، ایجاد آسایش و آرامش اعضا و ارکان خانواده ها، فراهم آوردن مقدمات ازدواج آسان، منع تبعیض و ایجاد نگرش سیاسی در رسانه ها و کتاب ها برای شکل گیری افکار افراد جامعه و... باید توسط نهادهای دولتی و فرهنگی و مشاوره صورت پذیرد.

۷. در پایان انتظار می رود که سازمانی برای مطالعه همه جانبه خانواده تأسیس شود و بر اساس مطالعات تطبیقی و میدانی و تجربه های موجود سایر کشورها سیاست گذاری کند. همچنین حوزه های علمی باید جدی تر از قبل به مسئله خانواده ورود پیدا کنند و در قالب طرح های راهبردی و پژوهشی مسائل مربوط به تربیت و سبک زندگی اسلامی و ایرانی را مورد توجه بیشتر قرار دهند و نهاد آموزش و پرورش با تقویت انجمن اولیاء و مربیان و نیز آموزش های لازم به دانش آموزان و همچنین نهاد دانشگاهی با تربیت و آموزش دانشجویان و همچنین بهره گیری بیشتر جوانان از مشاورین خانواده به این مهم پردازد که اگر اقدامات لازم صورت نگیرد، متأسفانه مشکلات آینده خانوادگی ایرانی بیشتر از حال خواهد بود.

منابع

✽قرآن.

✽نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.

۱. آشوری، داریوش، (۱۳۸۷)، *دانشنامه سیاسی*، بی جا، نشر مروارید، چاپ شانزدهم.
۲. آیت اللهی، زهرا و همکاران (۱۳۳۹)، *دانش خانواده و جمعیت*، تهران، تدوین نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها.
۳. آمدی، ابوالفتح، (۱۳۴۹)، *غررالحکم و دررالکلم*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴. ابن حمید، صالح بن عبدالله، (۱۴۲۶ ق)، *موسوعه النضرهالنعم فی مکارم اخلاق الرسول الکریم*، ج ۲، عربستان: دارالوسیله.
۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۱۹ ق)، *تفسیر ابن کثیر*، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۳۰۸)، *لسان العرب*، ج ۲، بیروت: دارالفکر.
۷. انوری، حسن، (۱۳۸۳)، *فرهنگ سخن*، ج ۱، تهران: انتشارات سخن، چاپ اول.
۸. بهشتی، احمد، (۱۳۹۱)، *خانواده در قرآن*، قم: انتشارات طریق القدس.
۹. جان گری، (۱۳۸۱)، *مردان مریخی زنان ونوسی*، ترجمه سیدرضا نیازی، قم: نجبا.
۱۰. جرجانی شریف، (۱۳۷۷)، *علی بن محمد، التعریفات*، تهران: مطبعه الخیریه.
۱۱. حرانی، حسن بن علی، (۱۳۶۳)، *تحف العقول*، قم: جامعه مدرسین.
۱۲. حکیم، محمدتقی، (۱۴۱۸ ق)، *الاصول العامه للفقہ المقارن*، قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع).
۱۳. دورانت، ویل، (۱۳۷۱)، *لذات فلسفه*، ترجمه عباس زریاب، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
۱۴. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، *لغت نامه دهخدا*، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۵. راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، *المفردات فی غریب القرآن*،

بیروت: دارالقلم.

۱۶. رفیعی محمدی، علی محمد، (۱۳۸۹)، عوامل تحکیم و تزلزل خانواده، قم: انتشارات رسول اعظم، چاپ هفتم.
۱۷. ساروخانی، باقر، (۱۳۷۰)، جامعه‌شناسی خانواده، تهران: سروش.
۱۸. سلطان محمدی، فاطمه، (۱۳۹۲)، اندیشه راهبردی زن و خانواده (مجموعه مقالات برگزیده همایش اندیشه راهبردی زن و خانواده)، تهران: عترت نو.
۱۹. سلیمی، علی، (۱۳۸۶)، ترجمه نهج الفصاحه، تهران: جمهوری.
۲۰. صفی پور شیرازی، عبدالرحیم بن عبدالکریم، (۱۳۶۸)، منتهی الارب فی لغات العرب، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۱. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۴۱۲)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: ناشر دارالقلم.
۲۲. طبرسی، حسن بن فضل، (۱۳۷۰)، مکارم الاخلاق، قم: الشریف الرضی.
۲۳. عاملی (شهید اول)، شمس‌الدین محمد بن مکی، (۱۴۰۷)، سخنان معصومین، قم: مدرسه الامام المهدی (عج).
۲۴. عاملی، حر، (۱۴۱۴)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البتیت (ع).
۲۵. عمید، حسن، (۱۳۷۵)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۶. کلینی، محمد، (۱۳۹۰)، اصول و فروع کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. مظاهری، حسین، (۱۳۸۴)، خانواده در اسلام، اصفهان: بنیاد خیریه فرهنگی المهدی (عج).
۲۸. معین، محمد، (۱۳۸۸)، فرهنگ معین، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۹. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق)، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید، چاپ اول.
۳۰. مهدوی کنی، محمدرضا، (۱۳۷۱)، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۱. نوری، میرزا حسین، (۱۳۶۶)، مستدرک الوسائل، قم: انتشارات آل‌البتیت (ع)

۳۲. نیلی پور، مهدی، (۱۳۸۰)، فرهنگ فاطمیه (س)، اصفهان: انتشارات مرکز فرهنگی شهید

مدرس.

مقالات

۱. آل رسول، سوسن و محمدخانی، طیبه، (۱۳۹۰)، «اصول مؤثر در روابط صمیمانه همسران با الگوبرداری از اسوه های قرآنی و همسران بهشتی»، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال سیزدهم، شماره ۵۲

۲. بهرامی، سیده زهرا، نمازی، اسماعیل، (۱۳۹۵)، «عوامل تحکیم بنیان خانواده از دیدگاه اسلام»، کنگره بین المللی علوم اسلامی، علوم انسانی

۳. حسن زاده، صالح، (۱۳۹۲)، «عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی»، پژوهش نامه معارف قرآنی، دوره ۴، شماره ۱۵

۴. جوکار، محبوبه، (۱۳۹۰)، «حقوق و وظایف متقابل زن و شوهر»، اخلاقی، فقهی و حقوقی، مجله پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده

۵. کجباف، محمدباقر، (۱۳۹۴)، «نقش وفاداری همسران در اعتمادآفرینی و راهبردهای توسعه آن در نهاد خانواده»، فصلنامه علمی پژوهشی نامه اخلاق، سال هشتم شماره ۲۹

سایت های اینترنتی

۱. محدثی، جواد، الفبای زندگی، (۱۳۹۶/۹/۲۲)، پایگاه اطلاع رسانی حوزه

۲. گروه دین و اندیشه، (۱۳۹۱/۹/۲۷)، تأثیرات نظم و انضباط در زندگی، خبرگزاری مهر